

تجربہ‌های معلمی

کلاس



خودباوری

ابقیه

زینب سادات موسوی
دبیر و آموزگار تربیت بدنی و ورزش

از این دانش آموزان، نه صرفاً یک فعالیت فوق برنامه، بلکه بخشی از راهبردی توسعه محور برای ارتقای سرمایه اجتماعی مدرسه بود.

چالش اصلی نه در میدان ورزش، بلکه در حوزه مدیریت ارتباط با ذی نفعان شکل گرفت. درگیری های عاطفی، حقوقی و رفتاری میان والدین، باعث بروز مانع هایی جدی در فرایند هماهنگی و اخذ مجوزهای لازم شد. اینجا جایی بود که مهارت های مدیریت بین فردی، مذاکره و حل تعارض به شدت حیاتی شد. باید به خانواده ها نشان می دادم مشارکت در این پروژه، اقدامی موقتی برای بردورزشی نیست، بلکه گامی برای بازسازی روانی فرزندانشان و حتی بازتعریف نقش آنان در خانواده است.

با طراحی جلسه های گفت و گو، برقراری ارتباط اعتماد آفرین و ارائه چشم اندازی مبتنی بر توسعه فردی کودکان، توانستم به تدریج از مقاومت والدین بکاهم. این تعاملات به نوعی تمرینی واقعی برای مدیریت مشارکتی و ایجاد هم راستایی میان اهداف مدرسه و نگرانی های والدین بود.

در روز مسابقه، ما تنها شاهد رقابت نبودیم، شاهد بازتعریف خودباوری بودیم. دانش آموزانی که پیش تر در لایه های پنهان نظام آموزشی محو شده بودند، حالا روی سکوها ایستاده بودند؛ نه به خاطر مدال، بلکه چون بالاخره دیده شده بودند. این موفقیت، خروجی ملموس یک سیاست مدیریت انسانی در مدرسه بود که به جای تمرکز صرف بر عملکرد آموزشی، به توسعه روانی و اجتماعی دانش آموزان پرداخت.

درس آموخته کلیدی این تجربه: ورزش، ابزاری راهبردی در بازسازی روانی دانش آموزان آسیب پذیر است. مدیران آموزشی باید فراتر از نگاه سنتی به فعالیت های فوق برنامه، آن ها را در قالب ابزارهای تحول ساز ببینند. زیرا هر تجربه موفق در این زمینه، نه تنها به بهبود وضعیت فردی یک دانش آموز کمک می کند، بلکه سطح کلی فرهنگ مدرسه را ارتقا می دهد و از آسیب های اجتماعی نیز می کاهد. اگر حتی یک دانش آموز طلاق از طریق برنامه ای هوشمندانه دوباره به خودش ایمان بیاورد، نظام آموزشی یک گام بزرگ به سمت رسالت واقعی خود برداشته است.



آموزشی بود: بازآفرینی هویت و انگیزه در دانش آموزان طلاق. این گروه از دانش آموزان بازخم های عاطفی و روانی ناشی از ناپایداری خانوادگی وارد محیط مدرسه می شوند. در بسیاری از موارد، مسائل آن ها در ظاهر بروز نمی یابد و اگر نظام مدیریتی مدرسه ساز و کار شناسایی و پشتیبانی نداشته باشد، این کودکان در حاشیه می مانند. تصمیم من برای تشکیل یک تیم ورزشی متشکل

در زیست بوم آموزش و پرورش، نقش معلم فراتر از انتقال مفاهیم درسی است. گاه او در قامت یک مربی تحول گر ناگزیر است مسئولیت هایی خارج از چارچوب سنتی بپذیرد: ایفای نقش حمایتی، روان شناختی و حتی مدیریت بحران های فردی در بطن مدرسه. تجربه من به عنوان معلم ورزش مدرسه ای دولتی، نمونه ای واقعی از مواجهه با یکی از پیچیده ترین چالش های انسانی و مدیریتی در نظام